

# بررسی لزوم انعکاس مفاد سند تجاری در خود سند

علی بزرگ پور\* - محمدجواد معنوی عطار\*\*

## چکیده:

قانونگذاران به طرق متنوعی اسناد تجاری همچون سفته، چک و برات را مورد حمایت قرار دادند. علت این امر تفاوت مهم اسناد تجاری با اسناد مدنی است. هدف اصلی این مقاله پاسخ دادن به این پرسش است که آیا برگه‌ای که به عنوان برگه‌ای اضافی به منظور ظهنویسی یا ضمانت، جدای از سند تجاری استفاده می‌گردد، از اعتبار برخوردار است یا خیر؟ در واقع مقاله پیش رو خواستار پاسخ‌دهی به ماهیت این نوع برگه است تا با استفاده از منابع موجود کشف گردد که ماهیت این برگه تجاری است یا مدنی و یا اینکه اصلاً هیچ‌گونه جنبه الزام‌آوری دارد یا خیر؟ برای مثال اگر یکی از طرفین تکالیف یا حقوقی را در برگه ضمیمه برای طرف دیگر سند مقرر کند، قدرت الزام‌آور این نوشته‌ها به چه اندازه است. به نظر می‌رسد باتوجه به وضع فعلی، شرایط قانونگذاری و رویکرد اتخاذ شده ضمنی مقنن می‌تواند ماهیت این برگه را حداقل در برخی امور تجاری تلقی کرد. در مقاله پیش رو سعی شده تا با توضیح و تشریح اعمال تجاری‌ای که ممکن است در سند درج شود، به ماهیت برگه ضمیمه پی ببریم.

## کلیدواژه‌ها:

ظهنویسی، ضمانت، سند تجاری.

## مقدمه

همان‌طور که می‌دانیم اسناد تجاری در عصر کنونی دارای اهمیت ویژه‌ای هستند، لذا این اسناد سهم عظیمی در مبادلات تجاری در شرایط کنونی دارند و در قراردادها نقش بسیار پررنگی ایفاء می‌کنند تا حدی که در مبادلات عظیم تجاری این روزها به‌وفور از اسناد تجاری همچون چک استفاده می‌شود تا این اندازه که تبدیل به مهم‌ترین ابزار تجارت شده‌اند و کمتر کسی را می‌بینیم که با این اسناد سروکار نداشته باشد، لذا به‌دلیل کثرت استفاده از این اسناد و همچنین به‌دلیل اینکه این اسناد حجم قابل‌توجهی از پرونده‌های حقوقی و دعوی دادگاه‌ها را دربرمی‌گیرند نیازمند به قانونی بسیار دقیق و مدون در ارتباط با این اسناد در کشور هستیم. در ارتباط با این اسناد در حقوق ایران نواقصی مشاهده می‌شود که یکی از این موارد، مباحث و شرایط مربوط به برگه ضمیمه است که موارد استفاده آن نیز در حال حاضر روبه‌فرونی است؛ لذا در این مقاله سعی بر این شده است که به بخشی از کاستی‌های موجود در این بخش از حقوق ایران پرداخته شود و تا حدی از نواقص موجود از جمله ماهیت برگ ضمیمه کاسته شود. البته به‌نظر می‌رسد که این بخش از قانون نیاز به توجه جدی قانونگذار دارد تا صریحاً نظر خود را بیان داشته و از چالش‌ها و ابهامات موجود در این زمینه بکاهد.

نحوه بررسی ما در این زمینه به‌صورت تطبیقی انجام شده است تا با مقایسه قانون ایران با سایر قوانین درک بهتری از مسئله داشته باشیم. در ابتدای بحث تعریفی از برگه ضمیمه ارائه خواهیم داد، در ادامه به بررسی قوانین تجاری داخلی و بین‌المللی می‌پردازیم تا با رویکرد دیگر کشورها نیز آشنا شویم که همان‌جا به رویکرد قانونگذار کشور ایران نیز می‌پردازیم و به‌صورت تطبیقی نظرات متخذه هر یک از آنها را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم. همچنین در خلال متن به‌منظور آشنایی با رویه قضایی در کشورهای مختلف به بررسی آرای دادگاه‌ها می‌پردازیم.

## ۱- تعریف و تاریخچه

### ۱-۱- تعریف برگه ضمیمه

منظور از برگه ضمیمه، برگه‌ای جداگانه است که در صورت نبود فضای کافی در سند اصلی به نحوی به آن متصل و حقوق و تکالیف و یا امضای طرفین اسناد در آن نوشته می‌شود.<sup>۱</sup> در اینکه آیا می‌توان به نوشته‌های برگه ضمیمه به عنوان خود سند تجاری استناد کرد یا خیر و یا به عبارت دیگر آیا نوشته‌های درون برگه ضمیمه به همان اندازه برای طرفین مسئولیت ایجاد می‌کنند که نوشته‌های موجود در خود سند تجاری ایجاد می‌کنند، اختلاف است که در ادامه بیشتر به آن می‌پردازیم.

### ۱-۲- تاریخچه برگه ضمیمه (آلونز)<sup>۲</sup>

چگونگی ظهور آلونز در ادبیات حقوقی برمی‌گردد به نخستین تصرفات حقوقی در اسناد تجاری. به عبارتی اگر تاریخچه آلونز را همسان با نخستین اقدامات جدی تجار در اسناد تجاری بدانیم، سخنی به گزاف نگفته‌ایم، توضیح آنکه در سال‌هایی بسیار دور در کشور آمریکا حتی قبل از اینکه به عنوان کشور شناسایی شود، روش خاصی متداول گردیده بود، به این نحو که مردمان آن روزگار که ذخیره پولی خود را در بریتانیا نگهداری می‌کردند، اگر برای خرید یا امور دیگر خود چک می‌کشیدند و آن را به طرف دیگر می‌دادند تا از حساب موجود آنها استفاده کند، معمولاً منتقل علیه فوراً آن برگه را تبدیل به پول نقد نمی‌کرد بلکه خود نیز به مانند انتقال دهنده قبلی آن را به دیگری انتقال می‌داد و در واقع آن را ظهرنویسی می‌کرد. به این علت که آن روزها چک کم‌وبیش به مانند وجه رایج مورد استفاده قرار می‌گرفت و پی‌درپی ظهرنویسی می‌شد لذا فضای کافی در آن چک به سرعت از بین می‌رفت، بنابراین برای آنکه بتوانند از آن چک به مدت بیشتری استفاده کنند یک برگه‌ای به آن ضمیمه کردند تا ظهرنویسی‌های بعدی در آن انجام گیرد. شواهد نشانگر آن است که حتی برخی از این چک‌ها در بریتانیا بیش از صد بار ظهرنویسی شدند تا به مرحله پرداخت برسند.<sup>۳</sup> قانون یوسی‌سی آمریکا هنوز هم مجوز استفاده از برگه ضمیمه را در انتقال سند تجاری در همین سال‌های اخیر داده است. همان‌طور که بیان شد حقوق ایران در پذیرش یا عدم‌پذیرش

۱. دیکشنری Duhamel's Law

2. Allonge

3. Whaley, *Mortgage Foreclosures Promissory Note and the Uniform Commercial Code*, 107.

برگه ضمیمه سکوت اختیار کرده لذا نصّ صریحی از اینکه مقنن ایران برگه ضمیمه را دارای اعتبار می‌داند یا خیر، در دست نیست اما می‌توان از برخی مواد در قانون تجارت کنونی استفاده کرد تا به‌طور ضمنی نظر مقنن ایران را در مسائل مختلف یافت. همان‌طور که در مقدمه هم بیان کردیم در این قسمت صرفاً به بررسی سه عنوان قبولی، ظهرنویسی و ضمانت می‌پردازیم.

## ۲- انواع به‌کارگیری برگه ضمیمه

### ۲-۱- قبولی

ماده ۲۲۸ قانون تجارت درخصوص قبولی برات توسط برات‌گیر مقرر نموده که «قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده، امضاء یا مهر می‌شود.»

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، حسب ظاهر ماده مذکور، قبولی برات‌گیر باید در خود برات درج شود. اکثریت قریب به اتفاق حقوق‌دانان نیز بر این باورند که قبولی باید در خود برگه برات منعکس شود<sup>۴</sup> البته درمقابل برخی<sup>۵</sup> معتقدند که به‌رغم ظهور ماده ۲۲۸، منعی وجود ندارد که قبولی برات توسط برات‌گیر خارج از سند انجام شود. به دیگر سخن قبولی خارج از سند نیز معتبر هست. به اعتقاد این گروه، درج قبولی در خود سند صرفاً جهت سهولت در استفاده، ظهرنویسی و انتقال سند است. در تأیید این نظر ممکن است گفته شود که اگر لزوم انعکاس قبولی در برگه برات لازم باشد، باید دارای ضمانت‌اجرای قانونی نیز باشد. درحالی‌که تکلیف مزبور فاقد ضمانت‌اجراست. بنابراین باید معتقد بود که انعکاس قبولی در خود سند فاقد الزام قانونی است و در نتیجه برات‌گیر مجاز است که قبولی خود را در سند یا خارج از آن منعکس نماید.

به این نظر نمی‌توان پایبند شد، زیرا از سویی ظهور الفاظ دارای حجّیت است. در واقع ماده ۲۲۸ به‌روشنی انعکاس قبولی در خود سند را مقرر کرده است؛ به‌ویژه تأکید قانونگذار بر عبارت «خود برات» به‌وضوح نشان از ضرورت درج قبولی در خود سند دارد. همچنین جالب‌توجه است که قانونگذار درج قبولی در خود برات را در کنار امضای برات‌گیر قرار داده

۴. فرحناکیان، اسناد تجاری (برات، سفته، چک) (جزوه درسی)، ۸۹.

۵. عبادی، حقوق تجارت، ۲۳۵.

۶. قافی، شریعتی فرانی، اصول فقه کاربردی (مباحث الفاظ)، ۱۱۳.

که به نوعی نشان از اهمیت برابر و مساوی «درج قبولی در خود برات» و «امضای برات‌گیر» دارد. بنابراین باتوجه به ظهور ماده ۲۲۸ بر لزوم درج قبولی در خود سند و باتوجه به اعتبار ظاهر الفاظ، تردیدی در ضرورت انعکاس قبولی برات‌گیر در برگه برات وجود ندارد. به‌ویژه اینکه به نظر می‌رسد قانونگذار در ماده ۲۲۸ در مقام بیان شرایط قبولی نیز بوده است. از سوی دیگر، اصل حکمت مقنن اقتضاء می‌کند که هر قیدی که بیان می‌دارد حاوی معنا و منظور خاصی باشد. درخصوص ماده ۲۲۸ نیز ذکر عبارت «در خود برات» باید مبتنی بر حکمت بوده و متضمن غرض عقلایی باشد و نمی‌توان آن را حمل بر گزافه‌گویی نمود. به‌ویژه جالب توجه است که قانونگذار در ماده ۲۲۹ نیز در مقام تبیین عباراتی که برای قبول یا نکول مطرح می‌شود، سخن از درج آن عبارات «در برات» به میان آورده است. در واقع قانونگذار در دو ماده ۲۲۸ و ۲۲۹ سخن از درج قبولی در خود سند دارد. این واقعیت باید با منطقی حکیمانه توجیه گردد. به‌علاوه، باید افزود که عدم تصریح به ضمانت‌اجرا به منزله فقدان ضمانت‌اجرا نیست، زیرا در مواردی نحوه بیان قانونگذار خود نشان از ضمانت‌اجرا دارد؛ به‌عنوان مثال، درج امضاء یا مهر در اسناد رکن سند است و فقدان آن موجب بی‌اعتباری آن می‌گردد. لیکن همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در ماده ۲۲۸ که سخن از امضاء یا مهر برات‌گیر به عمل آورده، به هیچ ضمانت‌اجرایی برای آن تصریح نکرده است. به همین ترتیب درج قبولی در خود سند نیز شرط لازم برای اعتبار قبولی است و نیازی نیست که قانونگذار به ضمانت‌اجرای آن تصریح نماید. به‌ویژه اینکه قانونگذار تکلیف درج قبولی در خود سند را با تکلیف امضاء یا مهر آن توسط برات‌گیر در یک جمله واحد مطرح نموده است، بنابراین هر ضمانت‌اجرایی که برای شرط امضاء یا مهر در نظر گرفته شود، برای شرط درج در خود سند نیز صادق خواهد بود. البته ممکن است ادعا شود که ذکر تاریخ قبولی نیز در کنار دو شرط دیگر ذکر گردیده ولی دارای ضمانت‌اجرایی دیگری است که در پاسخ باید گفت که تفاوت قید «تاریخ» با دو مورد دیگر در این است که قانونگذار در بند اخیر همان ماده برای شرط ذکر «تاریخ» ضمانت‌اجرایی علی‌حده مقرر نموده است.

حال که لزوم درج قبولی در خود سند مشخص گردید، باید در پی کشف هدف قانونگذار از شرط مذکور بود. در این راستا، برخی از حقوق‌دانان<sup>۷</sup> معتقدند هدف قانونگذار از لزوم درج قبولی برات‌گیر در خود سند این بوده که کلیه حقوق دارنده سند از خود سند نشئت بگیرد

۷. فخاری، حقوق تجارت ۳، اسناد تجاری (برات، سفته، چک) (جزوه درسی)، ۳۳.

یعنی همه تعهدات در خود سند منعکس شود. برخی دیگر از نویسندگان<sup>۸</sup> نیز معتقدند که شکل‌گرایی حقوق اسناد تجارتي اصرار بر درج قبولی در خود برات را توجیه می‌کند. در کنوانسیون آنسیترال نیز چنین رویکردی دیده می‌شود، آنجایی که در صدر ماده ۴۱<sup>۹</sup> خود بیان می‌کند: «قبولی باید در برات نوشته شده (on the Bill) و در صورتی معتبر است که ...» سپس شرط امضاء توسط برات‌گیر را مطرح می‌کند. لازم به ذکر است که بدون شک منظور از عبارت (در برات)، برگه برات هست زیرا در بند ۲ ماده آمده که قبولی می‌تواند در ظهر برگه نیز باشد که آنچه مهم است درج در برگه است و رو یا ظهر آن تفاوتی ندارد. از نوع نگارش ماده به راحتی استنباط می‌شود که لزوم انعکاس قبولی در برات امری مقدم و مهم می‌باشد تا جایی که جایگاه آن قبل از شرایط دیگر است. مشابه این حالت را می‌توان در ماده ۲۲۳ ق.ت ملاحظه کرد آنجایی که امضای برات در بندهای هشت‌گانه صورت برات نیامده و در ماده ۲۲۶ نیز ضمانت‌اجرائی برای آن بیان نشده، اما همگان بر ضمانت‌اجرائی آن مبنی بر بطلان برات آگاه‌اند. on the Bill عبارتی است که علاوه بر کنوانسیون مذکور در قانون فرانسه<sup>۱۰</sup> در کنوانسیون ژنو (۱۹۹۳) نیز دیده می‌شود که مبین لزوم انعکاس قبولی در برگه برات است و همان رویکرد در این قانون نیز اتخاذ شده است. صراحت، تکرار و تأکید مقنن ایران جای هیچ شبهه‌ای باقی نمی‌گذارد که قبولی را صرفاً در خود برگه برات می‌شناسد، نه حتی در برگه ضمیمه پیوست‌شده به آن. حال در ادامه به دو بحث قبولی مشروط و قبولی جزئی خواهیم پرداخت تا اصل انعکاس و نقش آلونژ را در این موارد نیز مورد بررسی قرار دهیم.

## ۲-۱-۱- قبولی مشروط

محال‌علیه گاه در وضعیتی قرار می‌گیرد که از یک سو مایل نیست بی‌آنکه واقعاً مدیون صادرکننده (محیل) باشد، خویش را در مقابل دارنده متعهد سازد و از سوی دیگر نگران آن است که با عدم قبول سند (نکول) در روابط مالی و تجاری خود با صادرکننده ایجاد خلل نماید. بنابراین کاملاً منطقی به نظر می‌رسد که محال‌علیه در چنین شرایطی قبولی سند را با شروط و قیودی همراه سازد.<sup>۱۱</sup> از طرفی دریافتیم برات‌گیر باید قبولی خود را در برات منعکس

۸. کاویانی، اسناد تجاری، ۱۰۲.

9. "An acceptance must be written on the bill and may be effected: ..."

10. Article L511-17: The acceptance shall be written on the bill of exchange ...

۱۱. کاویانی، اسناد تجاری، ۱۰۶.

کند. حال این سؤال مطرح می‌شود که چنانچه قبولی مشروط باشد، شرط نیز باید در برات منعکس شود یا قضیه طور دیگری است؟ به عبارت دیگر اصل انعکاس را باید در قبولی مشروط نیز پذیرفت یا خیر؟ ماده ۲۳۳ قانون تجارت بر قبولی مشروط دو اثر بار می‌کند: اول آنکه، آن را در حکم نکول می‌داند؛ و دوم، محال‌علیه را در حدود مفاد شرط مسئول پرداخت وجه برات می‌داند. این ماده آثار قبولی مشروط را می‌گوید اما از شرایط آن حرفی نمی‌زند. در حقوق مدنی اوضاع به گونه‌ای دیگر می‌باشد و قبول پذیرش بی‌قید و شرط ایجاب است. دکتر کاتوزیان معتقد است: «قبول باید مطلق و بی‌قید و شرط باشد زیرا اگر طرف خطاب، ایجاب را چنان که هست نپذیرد، در واقع ایجاب تازه‌ای کرده است و بیان اراده او قبول محسوب نمی‌شود.»<sup>۱۲</sup> ملاحظه می‌شود که در حقوق مدنی بر قبولی مشروط هیچ اثری مترتب نیست اما در قانون تجارت آثار فوق را داراست و مسئولیت‌زاست. از طرفی می‌دانیم که تجارت و حقوق آن اقتضانات خاص خود را دارد و اعمال حقوقی برای آنکه بتوانند از قالب عام مدنی به قالب خاص تجاری درآیند و از آثار و مزایای تجاری بهره‌مند گردند باید شرایطی را رعایت و تحصیل کنند، بنابراین نباید سکوت قانونگذار در ماده ۲۳۳ ق.ت را حمل بر قواعد عمومی حقوق مدنی دانست و بنابر اصل عدم تشریفات در عقود و اعمال حقوقی نتیجه‌گیری کرد که محل انعکاس شرط کاملاً اختیاری است. به نظر می‌رسد سکوت مقنن منطقی است چراکه محال‌علیه‌ای که به‌طور مشروط برات را قبول می‌کند، همچنان از سوی مقنن در ماده ۲۳۳ قبول‌کننده خطاب می‌شود، همچنین از جایگاه ماده نباید غافل شد، ماده فوق در ذیل مبحث دوم - در قبولی و نکول - بحث شده که در اولین ماده این مبحث مقنن در مقام بیان شرایط قبولی به صراحت بیان داشته است که: (قبولی برات در خود برات ... نوشته شده ...) و به این اکتفاء نکرده و در ماده بعدی نیز قید (در برات) را آورده، بنابراین انتظار بیان مجدد این قید از جانب مقنن برای بار سوم امری غیرمنطقی و خلاف اصل حکمت مقنن است که به‌موجب آن باید از تکرار مکررات پرهیز شود. بنابراین اصل انعکاس در قبولی مشروط نیز لازم‌الاجرا و پذیرفتنی می‌باشد. در ماده ۱۳۴۳ کنوانسیون آنسیترال شاهد عبارات مأنوس‌تر و صریح‌تر اصل انعکاس در قبولی مشروط هستیم و آثار مشابهی که در ماده ۲۳۳ ق.ت بیان گشته در این

۱۲. کاتوزیان، اعمال حقوقی، ۷۸.

13. "If the drawee stipulates in the bill that his acceptance is subject to qualification:  
A: He is nevertheless bound according to the terms of his qualified acceptance;  
B: The bill is dishonoured by non-acceptance."

ماده نیز قابل مشاهده هستند. در بند ۲ ماده ۴۳ آمده: «اگر محال‌علیه در برات تصریح کند که قبولی مشروط است:

الف) برات‌گیر در حدود مفاد قبولی مشروط متعهد است؛

ب) برات نکول شده محسوب می‌شود.»

کنوناسیون ژنو نیز در ماده ۲۶ خود همان آثار را مترتب می‌داند. همان‌گونه که دکتربین معتقدند این ماده منطبق با ماده ۲۳۲ ق.ت است.<sup>۱۴</sup>

## ۲-۱-۲- قبولی جزئی

گاه ممکن است، محال‌علیه قبولی خود را مشروط و مقید نسازد اما فقط جزئی از مبلغ برات را مطلقاً قبول کند. بدون شک قبولی جزئی برات، نکول محسوب نمی‌شود و ماده ۲۲۹ ق.ت صراحت در این معنا دارد. در این ماده می‌خوانیم: «هر عبارتی که محال‌علیه در برات نوشته، امضاء یا مهر کند، قبولی محسوب است؛ مگر اینکه عبارت صریحاً مشعر بر عدم قبول باشد. اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول یک جزء از برات باشد، بقیه وجه برات قبول شده محسوب است...» بنابراین قبولی جزئی، قبولی است اما پرسشی که دکتربین کمتر بدان پرداخته‌اند این است که محل قبولی جزئی کجاست؟ یعنی آیا می‌بایست صرفاً در خود سند ذکر به قبولی شود یا خیر؟ مقنن در ذیل ماده مذکور بیان می‌کند که امضای محال‌علیه در برات، قبولی محسوب می‌شود ولو هیچ عبارتی نوشته نشود. حال اگر عبارتی قرار باشد اثر امضاء را تغییر دهد (قبولی تمام مبلغ مندرج در برات که مقتضای اطلاق قبولی می‌باشد) به این نحو که آن را محدود (قبولی جزئی) و یا به کلی دگرگون سازد (نکول) بی‌گمان باید در خود برات باشد. در توضیح علت آن نیز باید گفت تا زمانی که قصد انشاء اعلام نشود و مبرز خارجی پیدا نکند، وارد عالم حقوق نمی‌شود و به تبع آن حقوق نیز اثر مطلوب را بدان نمی‌بخشد.<sup>۱۵</sup> از طرفی بیان نمودیم که مقنن اثر امضای صرف برات‌گیر را قبولی فرض می‌کند و خود شرایط تغییر این فرض را در استثنای بند اول ماده مذکور می‌آورد. قبولی جزئی نیز در ذیل مبحث دوم (در قبول و نکول) آمده و مقنن نیز تأکید می‌کند، قبول جزئی باز هم قبولی است و مانند قبولی مشروط، نکول نیست و راه را بر هرگونه مقایسه بی‌جا می‌بندد. قبولی برات‌گیر نیز باید در متن برات انعکاس یابد و تفاوتی ندارد که برمبنای مقتضای اطلاق، کل مبلغ برات قبول شود

۱۴. فخاری، پیشین، ۵۶.

۱۵. نک: ماده ۱۹۱ قانون مدنی.



و یا بنا بر تصریح برات‌گیر قسمتی از آن. حال چطور ممکن است که حکم به لزوم امضاء (اعلام‌کننده قصد قبولی) در متن برات بدهیم اما درج آنچه محتوای اعلام است و کیفیت آن را تعیین می‌کند و فرض مقنن را تغییر می‌دهد، در متن برات ضروری ندانیم؟

کنوانسیون آنسیترال در بند ۳ ماده ۴۳ مقرر می‌دارد: <sup>۱۶</sup> «قبول جزئی از مبلغ برات، قبولی مشروط تلقی می‌گردد اما اگر دارنده آن را بپذیرد، برات فقط نسبت به قسمت باقی‌مانده، نکول شده محسوب است.» به‌لحاظ تحلیلی و به استناد بند ۲ ماده فوق نمی‌توان گفت که قبول جزئی همان ماهیت و آثار قبولی مشروط را دارد و از آن جمله می‌توان به تأثیری که اراده دارنده در مرحله تکوین قبولی دارد، اشاره کرد؛ در قبولی مشروط اراده و قبول دارنده، منجر نمی‌شود که قبولی مشروط در حکم قبولی شناخته شود و در حکم نکول است. اما در قبولی جزئی اراده و تأیید دارنده باعث می‌شود که قبولی جزئی، قبولی انگاشته شود و احکام قبولی بر برات‌گیر پیاده شود و او به همان میزان متعهد اصلی پرداخت وجه برات گردد و دارنده را نیز به همان میزان از حقوق برات نکول شده محروم کند.

اما جدای از تفاوت میان ماهیت و آثار قبولی جزئی و مشروط که مختصر اشاره‌ای بدان شد، آنچه مهم به‌نظر می‌رسد شرایط این دو قبولی و به‌طور دقیق‌تر شرط مکان و محل انعکاس آنهاست، لذا باتوجه‌به اراده دارنده می‌توان دو حالت را ترسیم کرد: حالت اول آنکه دارنده، قبولی جزئی را نپذیرد که طبق ماده قبولی، مشروط تلقی می‌گردد و باید در برات منعکس شود؛ در حالت دیگر که دارنده قبولی جزئی را می‌پذیرد، به‌نظر می‌رسد باز هم باید بر لزوم انعکاس در متن برات تأکید کرد زیرا همان‌طور که در حقوق ایران بررسی کردیم و از تحلیل تفاوت‌های میان قبولی جزئی و مشروط نتیجه‌گیری کردیم، قبولی جزئی، ماهیتاً قبولی است نه در حکم نکول و قبولی برات توسط برات‌گیر نیز باید در برات منعکس شود.

## ۲-۲- ظهنویسی

برای انتقال اسناد تجاری به ایادی دیگر استفاده از ظهنویسی امری رایج و مطابق قانون است که تاریخ استفاده از آن به قرن شانزدهم بازمی‌گردد<sup>۱۷</sup>، اما متأسفانه قانون تجارت درخصوص اینکه آیا امکان ظهنویسی در برگه‌ای جدا از سند اصلی ممکن است یا خیر

16. An acceptance relating to only a part of the sum payable is a qualified acceptance. If the holder takes such an acceptance, the bill is dishonoured by non-acceptance only as to the remaining part.”

۱۷. عرفانی، حقوق تجارت، ۱۵۱.

صراحتی ندارد. اگر بخواهیم بر اساس ظاهر مواد مربوط به ظهرنویسی یعنی مواد ۲۴۵ و ۳۱۲ قضاوت کنیم، باید قائل به این باشیم که انتقال باید لزوماً در خود سند قید شود، زیرا ممکن است گفته شود اگر ظهرنویسی بر روی خود سند نباشد امکان شناسایی سلسله ظهرنویسان وجود ندارد و دارنده سند از مزیت مراجعه به ظهرنویسان بیشتر محروم خواهد شد. در صورت قبول این مطلب، می‌بایست به روی دیگر این مسئله پرداخت و آن این است که برخلاف قبولی که فضای کمی را اشغال می‌کند، برات ممکن است به ایادی مختلفی منتقل گردد و هر انتقال مستلزم ظهرنویسی آن سند است، لذا هر انتقالی فضایی را برای ظهرنویسی اشغال می‌کند، حال اگر در پشت سند جای امضاء برای ظهرنویسی نبود، چاره چیست؟ آیا می‌بایست به صرف نبود فضا سند را غیرقابل انتقال تلقی کنیم؟ در مورد این فرض در فرانسه در صورت پر شدن پشت سند عمل ظهرنویسی در ورقه‌ای جداگانه به نام آلوئر که به برگه برات ضمیمه می‌شود، صورت می‌گیرد و همان اعتبار ظهرنویسی در سند را دارد. در قانون آمریکا نیز طبق ماده 3-204(a) برای تعیین آنکه یک امضاء در خود سند انجام شده یا خیر برگه ضمیمه شده به سند تجاری را بخشی از خود سند قلمداد می‌کنند، طبق این ماده: «سند انتقال، مجزاً از سند تجاری برای خلق ظهرنویسی جدید کفایت نمی‌کند مگر به خود سند تجاری ضمیمه شده باشد.» ضمیمه کردن این برگه مجزاً به حدی دارای اهمیت است که در رأی دادگاهی در میشیگان در خصوص ظهرنویسی ضمیمه نشده به سند اصلی بیان شد:<sup>۱۸</sup> «باتوجه به اینکه برگه جداگانه به سند اصلی ضمیمه نگشت، ظهرنویسی جداگانه، مؤثر نخواهد بود، زیرا اشاره به توافقی اساسی دارد که حتی به وجود نیامده است، و این امر انتقال قانونی مورد قصد طرفین را ثابت نمی‌کند.» در حقوق ایران نیز باتوجه به اینکه قانون روش ضمیمه نمودن برگ ثانی را ممنوع نکرده است، برای تداوم حیات برات و عقیم نماندن آن در زمینه نقل و انتقال به نظر می‌رسد استفاده از برگه ضمیمه جهت درج امضای ظهرنویسان بعدی روشی معقول و منطقی است؛ چراکه نمی‌شود به صرف پر شدن محل امضای ظهرنویسان در برات غیرقابل انتقال بودن آن را تجویز نمود.<sup>۱۹</sup> اما سؤالی که در اینجا باید بدان پرداخت این است که آیا صرفاً فقط نبود فضای کافی برای امضاء در هر سند تجاری دلیلی بر این است که بتوانیم از برگه آلوئر استفاده کنیم؟ آیا اگر حتی فضای کافی برای امضاء وجود داشته باشد، نمی‌توان از برگه

18. Brown Bark, II, LP v. Bay Are Floor Covering & Design, Inc., Case No. 296660, (Mich. Ct. App. May 31, 2011).

۱۹. اسکینی، حقوق تجارت، ۹۲: هاشمی، جزوه درسی حقوق تجارت.

آلونژ استفاده کرد؟ برای پاسخ به این پرسش باید توضیحاتی در رابطه با معیار «نبود فضا»<sup>۲۰</sup> ارائه دهیم که ذیلاً درخصوص آن توضیحاتی خواهیم داد و سپس به نقد و بررسی آن می‌پردازیم.

## ۲-۱- معیار نبود فضا

بر اساس این معیار باید توجه نمود که آیا فضای کافی برای نوشتن - ظهرنویسی، ضمانت و سایر حقوق و تکالیف - در خود سند موجود هست یا خیر؟ این معیار در تعاریف برگه آلونژ و یکی از شروط استفاده از آن در دیکشنری‌های تجاری ملی کشورهای مختلف موجود است. در برخی از متون لاتین دیده می‌شود که برخی از حقوق‌دانان آمریکایی قانون متحدالشکل اسناد قابل‌انتقال و کامن‌لا، و به‌تبع آنها برخی از حقوق‌دانان ما (در بحث ظهرنویسی) معیاری برای پذیرش برگه ضمیمه (آلونژ) را به‌عنوان بخشی از سند تجاری پذیرفتند که آن را معیار نبود فضا نامیده‌اند.<sup>۲۱</sup> همان‌طور که در بخشی از آرای اکثریت دادگاه‌های آمریکا در رابطه با ظهرنویسی اسناد تجاری در برگه آلونژ دیده می‌شود، شرط اعتبار نوشته‌های برگه آلونژ زمانی است که در خود سند فضای کافی برای ظهرنویسی موجود نباشد. درخصوص دقت عملی و کاربردی بودن این معیار، می‌توان بیان نمود که هرچند معیار نبود فضا از این باب که وقتی فضای کافی برای ظهرنویسی یا هرگونه عمل حقوقی در خود سند موجود نیست، معقول به‌نظر می‌رسد اما دلیلی نیز بر منع نوشتن اعمال حقوقی بر روی برگه ضمیمه با وجود فضای کافی در سند به چشم نمی‌خورد زیرا نبود فضا بحثی صرفاً شکلی است و ارتباطی به اینکه ما برگه ضمیمه را تجاری بدانیم یا خیر، ندارد زیرا بنابر سهولت و سرعت یعنی همان دو اصل نانوشته حقوق تجارت<sup>۲۲</sup> نیازی نیست که مقید به نبود فضای کافی در سند تجاری باشیم تا درخصوص ظهرنویسی و یا ضمانت از آلونژ استفاده نماییم مگر آنکه باتوجه به نص قانون، معتقد باشیم که اگر انتقال سند به همراه امضاء در ظهر سند نباشد این عمل اصلاً ظهرنویسی محسوب نمی‌شود لذا می‌بایست دلیل موجهی چون نبود فضای کافی در سند در دست باشد تا توجیه‌کننده نگارش ظهرنویسی در برگه جداگانه باشد. در واقع هنگامی که قابلیت انتقال‌پذیری<sup>۲۳</sup> سند تجاری که از شاخصه‌های مهم اسناد

20. The 'No-Space Test'

۲۱. اسکینی، حقوق تجارت، ۹۲.

۲۲. کرم‌نژاد، «اصول حاکم بر اسناد تجاری»، ۱۰۰؛ مسعودی، «اصول حاکم بر اسناد تجاری»، ۱۲۷.

23. Transferability

تجاری محسوب می‌گردد صرفاً به دلیل نبود فضای کافی به خطر افتد، می‌توان از آلودگی به‌عنوان جایگزینی برای مقابله با این مشکل استفاده نمود، لذا تجویز این عمل در حالت دیگر صحیح به نظر نمی‌رسد بر همین اساس نیز گروهی معتقدند که صرفاً اگر قواعد فنی ظهنویسی (یا هر عمل تجاری دیگر) روی برگه ضمیمه اعمال گردد، آن برگه ضمیمه مؤثر است و بار حقوقی دارد.<sup>۲۴</sup> سؤال جدی دیگر در این خصوص این است که آیا لزوماً این برگه ضمیمه می‌بایست به سند اصلی متصل گردد یا خیر؟ زیرا در برخی آراء ولو به صورت محدود دیده شده است که دادگاه‌ها اجازه صدور برگه آلودگی به صورت مجزاً از خود سند را در چنین شرایطی داده‌اند. همچنین تفاسیر و نظرات موثقی هم از (بخش سه ماده ۲۰۴ یوسی‌سی ۱۹۵۱)<sup>۲۵</sup> موجود است که ظهنویسی بر روی برگه ضمیمه مجزاً را صحیح می‌دانند ولو اینکه فضای کافی برای ظهنویسی بر روی خود سند موجود باشد.<sup>۲۶</sup> در واقع این محدودیت نبود فضای کافی در سند اصلی ابتدائاً مورد بحث بود اما پس از مدتی این محدودیت لغو گشت.<sup>۲۷</sup>

در پرونده‌ای دیگر در بخش میلوکی<sup>۲۸</sup> میان Carl E. Segebrecht and Linda M. Segebrecht به‌عنوان خواندگان و شرکت LLC به‌عنوان خواهان در این زمینه به ثبت رسید. در این پرونده شخصی در سال ۲۰۰۲ از یک شرکت وامی به مبلغ ۱۹۶ هزار دلار دریافت می‌کند، آن شرکت نیز این طلب را به شرکت دیگری محول می‌کند و آن شرکت نیز به نوبه خود آن رهن را به شرکت خدماتی بانک محول می‌کند. مدیون در سال ۲۰۰۹ پرداخت مبلغ دین (رهن) را متوقف می‌نماید و شرکت خدمات‌دهنده نیز علیه او اقامه دعوا می‌نماید. در این میان مدیون متوسل به ضمیمه نامناسب آلودگی می‌شود و استدلال می‌کند که باتوجه به ضمیمه نامناسب آلودگی برای انتقال دین از پرداخت آن امتناع نموده اما دادگاه ایراد شکلی وارده را رد می‌کند و حکم به صحت واگذاری دیون به واسطه آلودگی‌های پیاپی می‌دهد. از اشارات متن پرونده و تعداد اشخاص مرتبط و دفعات ظهنویسی مشخص است که در خود سند فضای کافی برای ظهنویسی وجود داشت اما طرفین، رهن موجود را با آلودگی منتقل نمودند که این امر می‌تواند معیار نبودن فضا را زیر سؤال ببرد.

24. Whitman, "What We Have Learned from the Mortgage Crisis about Transferring Mortgage Loans," 11.

25. "... For the purpose of determining whether a signature is made on an instrument, a paper affixed to the instrument is a part of the instrument. ..."

26. Steins, "Getting Attached," 2.

27. Whitman, "What We Have Learned from the Mortgage Crisis about Transferring Mortgage Loans," 47.

28. Milwaukee

درمقابل می‌توان نظر داشت که ما تنها زمانی می‌توانیم قائل به صحت آلوئر باشیم که آن را جزئی از سند تجاری قلمداد کنیم که این امر ممکن نیست مگر با ضمیمه فیزیکی آن به خود سند. اختلاف نظرات در همین خصوص باعث شده است که اکثر افراد برای دوری از هرگونه اختلافی برگه آلوئر را به خود سند اصلی به‌صورت فیزیکی ضمیمه کنند. اما باید دانست که ضمیمه فیزیکی نیز خود مستلزم رعایت شرایطی است که ذیلاً بدان خواهیم پرداخت.

### ۲-۲-۲- ضمیمه فیزیکی

در ماده ۲۰۲ از بخش سوم یوسی‌سی ۱۹۵۱ آمده است که ظهنویسی باید بر روی خود سند تجاری یا بر روی برگه‌ای که کاملاً (محکم) ضمیمه سند تجاری شده است، انجام شود تا جزئی از آن شود به‌نحوی که بتوان گفت این «جزء» متعلق سند شده است. بر همین اساس هم دادگاه‌های آمریکا ظهنویسی بر روی برگه جداگانه را که جدا از سند اصلی در یک پوشه قرار داده شده بود، نپذیرفتند<sup>۲۹</sup> اما اینکه این برگه ضمیمه به چه نحو به سند اصلی متصل شود، بحثی است مجزاً که به‌نظر می‌رسد استفاده از منگنه برای ضمیمه نمودن آن کافی باشد. همگام با این نظر دادگاه عالی کلرادو بیان داشت که آلوئر منگنه‌شده به‌نحوی بود که بتوان گفت که بخشی از سند شده است.<sup>۳۰</sup> در واقع می‌توان این‌طور دریافت که وقتی متن قانون صراحتاً شیوه‌ای خاص را برای ضمیمه کردن در نظر ندارد، پس این مهم را به خود قضات و رویه واگذار کرده که البته این ضمیمه می‌بایست کاملاً امن و با دقت صورت گیرد.<sup>۳۱</sup> در پرونده *Adams v. Madison Realty & Development, Inc.* کاملاً مشخص شده است که صرف قرار دادن برگه ضمیمه در پاکت نامه یا اتصال با سنجاق کفایت نمی‌کند بلکه موم نمودن یا چسباندن آن را می‌توان ضمیمه نمودن محسوب نمود. در این پرونده دو دلیل برای ضمیمه فیزیکی این‌چنینی بیان شد: نخست آنکه از عمل مجرمانه کلاهبرداری جلوگیری شود؛ و دوم آنکه، سلسله ظهننویسان قابل‌ردیابی باشد.<sup>۳۲</sup> لذا هرچند مواردی دیده می‌شوند که در آن سنجاق یا کلیپ به‌کار برده شده است اما بعید به‌نظر می‌رسد که دادگاه‌ها به قبول این موارد تن دهند.<sup>۳۳</sup>

29. Steins, op.cit. 2.

30. *Southwestern Resolution Corp. v. Watson*, 964 S.W.2d 262, May 1998.

31. *The Hague Conference on Private International Law*, 2013, 62.

32. No. 853 F. 2d 163, 167 (3d Cir. 1988).

33. Whaley, op.cit. 108.

در پرونده‌ای با موضوع مشابه تحت عنوان *Robinson v. H & R Block Bank, FSB* شخصی به نام رابینسون<sup>۳۴</sup> در سال ۲۰۰۵ از شرکت آپشن وان<sup>۳۵</sup> وامی دریافت می‌کند. او همچنین در سال ۲۰۰۶ وامی دیگر از این شرکت وام‌دهنده تقاضا می‌کند. در سال ۲۰۰۷ با توافق طرفین هر دو بدهی تبدیل به یک بدهی گردید و موافقت‌نامه‌ای میان آنها به امضاء رسید. سپس شرکت آپشن وان این بدهی را به بانک *H & R Block Bank* منتقل نمود اما در این واگذاری مرتکب دو اشتباه شد که یکی از آنها مربوط به نحوه ضمیمه کردن فایل موافقت‌نامه رابینسون بود که آن شرکت صرفاً فایل را در پاکتی قرار داده بود و به صورت فیزیکی ضمیمه ظهنویسی برای انتقال نکرده بود. لذا با توجه به ماده ۳ یوسی‌سی که ظهنویسی می‌بایست به شکل محکمی پیوست گردد، در زمان انتقال دین ظهنویسی برای انتقال به درستی صورت نگرفت. در سال ۲۰۱۲ آقای رابینسون علیه شرکت آپشن وان و بانک بلاک اقامه دعوی کلاهبرداری نمود، زیرا مدعی بود انتقال دین صحیح صورت نگرفته است. دادگاه با شواهدی که در دست داشت به بررسی پرونده پرداخت و هیچ مدرکی در خصوص کلاهبرداری احراز ننمود اما ادعای خواهان در خصوص لطمه به اعتبار انتقال را مورد توجه قرار داد، با این حال به این نتیجه رسید که اشتباه رخ داده بی‌ضرر بوده و بلاک محق محسوب گشت.

با توجه به آلوئز ضمیمه نشده دادگاه حکم نمود که:

«هرگونه نقص اظهار شده مرتبط با آلوئز جنبه ماهیتی نخواهد داشت، زیرا مطابق با قانون نیویورک (یوسی‌سی)، واگذاری ممکن است به صورت فیزیکی انجام گیرد و نه صرفاً با ظهنویسی نوشته شده و کتبی.»

به نظر می‌رسد ماده ۲-۲۰۲-۳ یوسی‌سی منگنه کردن را نوعی روش نوین از ضمیمه کردن دانسته است. البته عده‌ای استدلال می‌کنند که صرف منگنه کردن آلوئز به سند اصلی هم کافی نیست و استناد آنها به برخی از پرونده‌هایی است که دادگاه‌ها این پرونده‌های مورد نظر را رد کردند با اینکه برگه ضمیمه به سند اصلی منگنه شده بود. از جمله دادگاه بدوی جورجیا که در پرونده *Tallahassee Bank & Trust Co. v. Raines* استفاده از آلوئز منگنه شده را رد کرد اما در مقابل اشاره شد که علت رد کردن این پرونده عدم رعایت معیار «نبودن فضا» بوده است و نه نحوه ضمیمه کردن برگه آلوئز. البته لازم به ذکر است که استفاده

34. Robinson

35. Option One

از چسب، موم یا روبان ضروری به نظر نمی‌رسد لذا صرف اینکه منتقل‌علیه هر یک از برگه‌های ضمیمه را به سند اصلی منگنه کند، کافی به نظر می‌رسد. در واقع استفاده از برگه آلونژ راه‌حلی جایگزین است برای شرایط استثنائی که اگر فضای کافی برای امضاء نبود از این برگه استفاده کنیم اما اگر در سند تجاری ما فضای کافی برای امضاء وجود داشته باشد باید به اصل رجوع شود یعنی طبق متون بین‌المللی، امضاء ابتدا باید در خود سند صورت گیرد و اما اگر فضای کافی وجود نداشت از برگه آلونژ استفاده خواهیم کرد، اگرچه به نظر ما همان‌طور که برای صحت ضمیمه کردن برگه آلونژ استدلال نمودیم، اضافه نمودن برگه آلونژ به سند تجاری ولو اینکه فضای کافی در آن سند موجود باشد، به دلیل شکلی بودن امر صحیح به نظر می‌رسد.

طبق ماده ۱۳<sup>۳۶</sup> کنوانسیون ژنو نیز «ظهنویسی باید بر روی برات یا برگه‌ای که ضمیمه آن می‌گردد، نوشته شود. ظهنویسی باید به امضای ظهننویس برسد. در ظهننویسی ممکن است ذی‌نفع مشخص نشده یا ظهننویسی تنها متضمن امضای مطلق ظهننویس باشد (سفیدامضاء). در صورت اخیر، ظهننویسی زمانی معتبر است که در پشت برات یا بر روی برگه ضمیمه آن منعکس گردد.» همان‌طور که مشخص است، صدر ماده انواع روش‌های ممکن ظهننویسی را نام می‌برد که یا باید در خود سند باشد و یا در برگه ضمیمه نوشته شود. در صدر ماده ۱۴ قانون آنسیترال نیز مقنن بیان می‌دارد که «ظهننویسی باید بر روی خود سند یا برگه ضمیمه شده «آلونژ» نوشته شود.»<sup>۳۷</sup>

ماده ۳۲ قانون بروات ۱۸۸۲<sup>۳۸</sup> هم یکی از شرایط ظهننویسی معتبر را این می‌داند که: «ظهننویسی باید توسط خود ظهننویس و بر روی خود سند یا برگه ضمیمه امضاء شود. امضای ساده ظهننویس بدون عبارات اضافی بر روی سند کافی است. ظهننویسی نوشته شده بر روی آلونژ یا کپی سند انتشار یافته یا قابل مبادله در کشورهایی که نقش کپی را احراز کردند و پذیرفتند نیز در حکم خود سند است.» همان‌طور که در این ماده می‌بینیم مقنن تأکیدی لفظی به این مورد داشته است که ظهننویسی باید بر روی خود سند نوشته شود و یا حداکثر

36. An endorsement must be written on the bill of exchange or on a slip affixed thereto (allonge). It must be signed by the endorser.

37. An endorsement must be written on the instrument or on a slip affixed thereto (allonge) It must be signed.

38. It must be written on the bill itself and be signed by the indorser. The simple signature of the indorser on the bill, without additional words, is sufficient. An indorsement written on an allonge, or on a "copy" of a bill issued or negotiated in a country where "copies" are recognized, is deemed to be written on the bill itself.

در برگه‌ای که ضمیمه و متصل به سند می‌شود و اما در مورد کپی‌های سند مقنن راه را برای آن دسته از کشورهایی که نقش کپی‌ها را پذیرفتند، باز گذاشته و فرض کرده که برگه آلونژ و کپی‌ها در حکم خود سند هستند یعنی آلونژ و کپی را چیزی جدا از خود سند نمی‌داند. در ماده ۵۱۱ قانون تجارت فرانسه<sup>۳۹</sup> نیز این‌طور آمده است که ظهرنویسی باید بر روی خود برات یا برگه ضمیمه شده به آن نوشته شود. همان‌طور که از نص این قوانین برمی‌آید باید پذیرفت که ظهرنویسی در وهله اول و در شرایط عادی باید بر روی خود سند انجام شود و گرنه در شرایط استثنائی و باتوجه به معیار نبود فضا که در قسمت قبل از آن صحبت کردیم، می‌توان از برگه آلونژ یا برگه ضمیمه استفاده کرد که نقد وارد به آن را نیز بیان نمودیم و البته باید ذکر کرد که در هیچ‌یک از این قوانین نصی صریح دال بر اینکه برای برگه ضمیمه نیاز به شرایط استثنائی و معیاری چون نبود فضا لازم است، به دست نمی‌دهد و منطقی هم نیست آنچه را که قانون به صراحت بیان نداشته به حساب قانون بگذاریم، هرچند می‌توان در مقابل استدلال کرد که ممکن است مقننین معیار نبود فضا را برای اعمال عمل حقوقی در برگه ضمیمه مفروض دانسته باشند.

### ۲-۳- ضمانت

ضمان به معنای پذیرفتن و برعهده گرفتن است.<sup>۴۰</sup> اما در اصطلاح ضمانت عبارت است از پرداخت مبلغ سند توسط شخص معتبر دیگری.<sup>۴۱</sup> ضمانت‌های پرداخت در اسناد تجاری به دارنده آن اطمینان می‌دهد که نهایتاً خواهد توانست وجه سند را توأم با مخارج و هزینه‌های انجام شده وصول نماید.<sup>۴۲</sup> همان‌طور که می‌دانیم ضمانت یک عمل حقوقی است که یکی از شرایط شکلی آن امضای ضامن در خود سند تجاری است. به‌طور معمول ضمانت در خود ورقه و پشت سند با امضای ضامن انجام می‌شود<sup>۴۳</sup>، اما آیا ضمانت در برگه ضمیمه و یا آلونژ نیز اعتبار دارد؟ قانون تجارت ایران در مورد این مسئله سکوت اختیار کرده و نصی در مورد آن در قانون ایران موجود نمی‌باشد. در واقع قسمت اخیر ماده ۲۴۹ نه این معنا را می‌رساند که

39. Article L511-8: The endorsement must be entered on the bill of exchange or on a sheet attached thereto and referred to as an extension ...

۴۰. سیداحمدی سجادی، «تضامن در اسناد تجاری»، ۹۱.

41. Robert Lombardi, "Ovals and Quasi-Indorsements of Negotiable Instruments: A comparison of Civil Law and Common Law Approaches," *Monash University Law Review* 14 (1988): 264.

۴۲. الله‌آبادی، «ضمانت‌های پرداخت در برات و سفته»، ۸۹.

۴۳. اسلامی، «ضمانت در اسناد تجاری»، ۶۱.



ضمانت در سند جداگانه باطل است و نه اینکه ضمانت حتماً باید در خود سند تجاری ذکر شود. به نظر برخی اساتید ضمانت در برات به دو طریق واقع می‌شود، صریح و ضمنی که ضمانت صریح بدین معناست که دارنده برات به صادرکننده یا ظهرنویس یا محال‌علیه اطمینان ندارد، در این صورت ضامن به‌طور صریح از شخص وی ضمانت می‌کند، در این حالت ممکن است ضمانت در همان ورقه برات قید شود و یا ضمانت‌نامه جداگانه تنظیم شود.<sup>۴۴</sup> طبق نظری دیگر نیز ضمانت وجه برات ممکن است به‌وسیله سند جداگانه انجام گیرد اما در این حالت عده‌ای تردید دارند که آیا ضامن مشمول مقررات مربوط به اسناد تجاری می‌گردد یا خیر؟ لذا بر این نظر هستند که بسته به اینکه ضمانت از طرف تاجر یا از طرف غیرتاجر صورت گیرد آن ضمانت تجاری یا مدنی می‌باشد.<sup>۴۵</sup> برخی اساتید حقوق نیز در باب ضمانت در سند جداگانه به‌طور مطلق این‌طور نظر دادند: «به‌نظر ما باتوجه به اصل کلی که به‌موجب آن در صورت سکوت قانون تجارت که قانون خاص است باید به قانون مدنی که قانون عام است، رجوع کرد.»<sup>۴۶</sup>

ماده ۳۱-۴۳ کنوانسیون ژنو در خصوص ضمانت بیان می‌دارد که «ضمانت یا در روی برات و یا روی برگ ضمیمه نوشته می‌شود. ضمانت به‌وسیله کلمات «جهت تضمین» یا هر فرمول معادلی بیان می‌گردد. ضمانت توسط ضامن امضاء می‌شود.» البته در ماده ۴ از ضمیمه دوم قبول ضمانت به‌موجب سند جداگانه را به اختیار امضاءکنندگان کنوانسیون واگذار کرده است، قانون فرانسه از حق رزرو خود که قانون متحدالشکل ژنو اعلام کرد، استفاده نمود و در ماده ۵۱۱-۲۱ قانون تجارت خود برای ضمانت این‌طور آورده است که «ضمانت یا باید در خود برات نوشته شود و یا اینکه باید به آن ضمیمه شود و ...» همان‌طور که مشاهده می‌شود در این قوانین همانند مبحث ظهرنویسی صحبت از برگه ضمیمه یا همان آلونژ شده است، البته در برخی کشورها مانند ایتالیا، آلمان، ژاپن و سوئیس این نوع ضمانت پذیرفته نشده است.<sup>۴۸</sup> همچنین برخی اساتید اظهار می‌کنند که بر اساس نصوص قوانین پیش‌گفته می‌توان چنین گفت که پیمان ژنو برات را به‌عنوان سند مستقل و خودکفا محسوب می‌دارد لذا جهت انتقال

۴۴. کاتبی، حقوق تجارت، ۲۰۲.

۴۵. ستوده، حقوق تجارت، ۴۶.

۴۶. حسینی تهرانی، «ظهرنویسی مقررات و انواع آن»، ۱۴۷.

47. The 'aval' is given either on the bill itself or on an 'allonge'. It is expressed by the words 'good as aval' ('bon pour aval') or by any other equivalent formula. It is signed by the giver of the 'aval' ...

۴۸. نیک‌فرجام، «ضمانت در اسناد تجاری»، ۹۹.

تضمینات خارج از سند قواعد عمومی باید رعایت شود<sup>۴۹</sup> که کاملاً منطقی به نظر می‌رسد. قانون کشور چک نیز درخصوص آلوئز مقرراتی را وضع نموده از جمله آنکه هنگام ضمیمه نمودن آلوئز برای عمل ضمانت حتماً می‌بایست بر روی آلوئز درج گردد که این برگه به منظور ضمانت ضمیمه گشته است، البته تأکید این قانون صرفاً بر الفاظی خاص و مقید نیست بلکه هر جمله‌ای که این مفهوم را برساند، مورد پذیرش است. عنصر ضروری دوم درج اطلاعاتی درخصوص مدیون است البته این قانون بیان می‌دارد که نیازی به بیان اطلاعات کامل درخصوص مدیون نیست بلکه همان قدر که این اطلاعات بر او دلالت نماید، کافی است.<sup>۵۰</sup>

### نتیجه

اقتضائات خاص روابط تجار با یکدیگر و تفاوت مشهود آن با روابط اشخاص عادی، تفاوت در سبک قانونگذاری را وجهتی بس منطقی و حکیمانه می‌بخشد. کمتر دیده می‌شود که تجار همان مسیر و ابزارهایی را انتخاب کنند که افراد عادی انتخاب می‌کنند و سبب آن چیزی جز تفاوت در ذات عمل تجاری با غیر آن نمی‌باشد.

در زمینه اسناد تجاری، قانونگذاران به سرعت و به درستی تشخیص دادند که تاجر شخصی نیست که وجه نقد نزد او باقی بماند و «اعتبار» او در بازار عملاً نقش پول را برعهده گرفته است. مجال مناسبی بود برای حقوق دانان دغدغه‌مند که آستین بالا زده و به کمک قانونگذاران بشتابند و در عصر و دوره‌ای که روابط و معاملات تجاری تنوعی بی‌حد و حصر یافته‌اند، به رسالت حقوق که همانا تنظیم این روابط است، سرعت ببخشند.

حاصل این همفکری استخراج اصولی بود که به تجار کمک کرد در عین حال که به سرعت معاملات آنان لطمه‌ای وارد نمی‌شود، با استفاده از ابزارهای حقوقی اطمینان یابند که مسیری را که به سرعت در حال طی آن می‌باشند، از امنیت حقوقی برخوردار می‌باشد. اصولی مانند اصل استقلال اسناد تجاری، اصل عدم امکان استناد به ایرادات و مانند آن، چنان کمک حال تجار شد که بر چهره حقوق نیز لبخند رضایت نمایان گشت. این اصول، چیزی جز تلاش فکری حقوق دانان در عرصه تجارت نبود و همچنان راه برای اصلاح و تکمیل آن باز می‌باشد. پیشتر گفتیم که قانونگذاران در وضع قواعد راجع به اسناد تجاری رویکردی متفاوت اتخاذ کرده‌اند و فقط به ضرورت وجود قصد و اعلان آن به هر شکل ممکن اکتفاء ننموده‌اند بلکه در

۴۹. صقری، حقوق بازرگانی (اسناد)، ۱۴۴.

50. Kotásek, *Bill of Exchange Law*, 30.

همه مراحل برای شکل اعمال نیز موضوعیت قائل شده‌اند تا به این ترتیب سرعت، دقت و شفافیت روابط بدان‌گونه که تجار بدان مایل هستند، تحقق یابد. بنابراین سخنی به‌گراف نگفته‌ایم اگر قائل باشیم که شکل‌گرایی حقوق اسناد تجاری اصرار بر درج حقوق و تعهدات برخاسته از روابط برواتی در خود برات را توجیه می‌کند. در این میان نیز بررسی شد که باتوجه‌به قوانین موضوعه ایران و همچنین سایر قوانین بین‌المللی و آرای قضایی و نظرات دکترین این‌طور به‌نظر می‌رسد که برگه ضمیمه یا آلونژ را می‌توان با رعایت تشریفات آن یعنی اتصال مناسب و مطابق قانون، دارای ماهیتی تجاری دانست، بجز درمورد قبولی که نص صریح قانون، ما را از اتصال برگه ضمیمه و استفاده از آن برای اعلام قبولی باز می‌دارد. بنابراین با شرایطی می‌توان برگه برات را اعم از برگه اصلی و برگه ملصق‌شده (آلونژ) دانست. گرچه رویه‌ها و شرایط پذیرش به‌مقتضای نظام‌های حقوقی مختلف، متفاوت می‌باشند، اما جای خالی رویه قضایی حاکم بر مسئله مطروحه در ایران و قوانین ما بسیار مشهود و بارز می‌باشد که درجهت تکمیل این امر نیاز است، حقوق‌دانان و قانونگذاران با بررسی تجربیات نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف و مشاهده مسیری که آنان طی کرده‌اند و حال معایب و مزایای آن بر هر بیننده آگاه و هوشیاری آشکار گشته است، به نیازهای حقوقی تجار از طریق وضع قواعد و قوانین مناسب، به‌روز، کارآمد و جامع پاسخ دهند. مقاله فوق نیز درصدد بوده نقشی هرچند اندک در این زمینه ایفاء کرده و به رسالت حقوق، در حد بضاعت کمک کرده باشد.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک). تهران: سمت، ۱۳۹۲.
- اسلامی، علیرضا. «ضمانت در اسناد تجاری». فصلنامه کانون ۴۷ (۲) (خرداد ۱۳۸۳): ۶۸-۵۷.
- اعظمی زنگنه، عبدالحمید. حقوق تجارت. چاپ سوم. تهران: مدرسه عالی بیمه تهران، ۱۳۷۴.
- الله‌آبادی، کمال. «ضمانت‌های پرداخت در برات و سفته». دوفصلنامه بررسی‌های بازرگانی ۵۷ (بهمن ۱۳۷۰): ۸۶-۱۰۵.
- حسینی تهرانی، سید مرتضی. «ظهنویسی مقررات و انواع آن». فصلنامه حق ۴ (زمستان ۱۳۶۴): ۱۵-۱۰۴.
- ستوده تهرانی، حسن. حقوق تجارت (اسناد تجاری). جلد سوم. چاپ نوزدهم. تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۰.
- سیداحمدی سجادی، سید علی. «تضامن در اسناد تجاری». فصلنامه مجتمعه آموزش عالی قم ۱۴ (پاییز ۱۳۸۱): ۸۹-۱۱۲.
- صقری، محمد. حقوق بازرگانی (اسناد). تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
- عبادی، محمدعلی. حقوق تجارت. چاپ بیست و هفتم. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۷.
- عرفانی، محمود. حقوق تجارت. جلد اول. تهران: واحد فوق برنامه بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۷.
- فخاری، امیرحسین. حقوق تجارت ۳، اسناد تجاری (برات، سفته، چک) (جزوه درسی). تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، بی‌تا.
- فرحناکیان، فرشید. اسناد تجاری (برات، سفته، چک) (جزوه درسی). تهران: مؤسسه فرزندگان دادآفرین، بی‌تا.
- قافی، حسین، سعید شریعتی فرانی. اصول فقه کاربردی (مباحث الفاظ). جلد اول. چاپ دهم. تهران: نشر سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها)، ۱۳۹۳.
- کاتبی، حسینقلی. حقوق تجارت. چاپ هفتم. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵.
- کاتوزیان، ناصر. اعمال حقوقی. چاپ پنجم. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱.
- کاوایی، کوروش. اسناد تجاری. چاپ پنجم. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.
- کرم‌نژاد، اویس. «اصول حاکم بر اسناد تجاری». دوفصلنامه کانون وکلای دادگستری گیلان ۴ (۷) (بهار و تابستان ۱۳۹۱): ۹۶-۱۰۶.

مسعودی، بابک. «اصول حاکم بر اسناد تجاری». *مجله کانون وکلا* ۱ (۱۳۷۹): ۱۰۱-۱۳۱.

موسوی هاشمی، سید حسن. حقوق تجارت ۳، اسناد تجاری (جزوه درسی). آبادان: دانشگاه آزاد اسلامی آبادان، ۱۳۹۰.

نیک‌فرجام، کمال. «ضمانت در اسناد تجاری». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری* ۲۵ (بهار ۱۳۸۱): ۹۳-۱۱۶.

### ب) منابع خارجی

Lombardi, Robert. "Ovals and Quasi-Indorsements of Negotiable Instruments: A Comparison of Civil Law and Common Law Approaches." *Monash University Law Review* 14 (1988): 264-283.

Safran, Lawrence, Joshua Stein. "Getting Attached." *New York Law Journal, Trends in Real States and Titles Insurance*, (November 2006).

Whitman, Dale A. "What We Have Learned from the Mortgage Crisis about Transferring Mortgage Loans." *Real Property, Trust and Estate Law Journal* 49 (Spring 2014): 1-70.